

شمشیر ابلیس

علی جلالی

مرکز حقایق اسلامی

## چکیده:

خالد بن ولید از اشراف قریش بود که در جنگ های مهم صدر اسلام در مقابل مسلمانان ایستاد. زندگی او پر از جنایات و کشتارهای گوناگون است. او به ظاهر اسلام آورد ولی همچنان خوی جاهلیت در او زنده بود؛ عملکردهای او در سال های پایانی عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند قصد ترور حضرت و یا نوشتن صحیفه ملعونه نشان داد که اصلا اعتقادی به اسلام پیدا نکرده بود. بعد از شهادت رسول خدا هم وصی بر حق رسول خدا را کنار گذاشت و تمام همت خود را در جهت یاری غاصبین حق اهل بیت علیهم السلام بکار گرفت تا به جایی که اصحاب بزرگ رسول خدا را به قتل رساند. او حتی قصد کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام را هم داشت که در این کار موفق نشد. خالد در جریان هجوم به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام نقش پر رنگی را ایفا کرد. جنایات او محدود به جامعه مسلمانان نمی شود. او در فتوحات غیر شرعی و به ظاهر اسلامی جنایات زیادی را مرتکب شد که البته ما به این نقطه نمی پردازیم. این مقاله به جنایات خالد بن ولید بعد از اسلام ظاهری او اشاره می کند.

کلیدواژه‌ها: خالد بن ولید، ابوبکر، مرتد، قتل، ترور، شمشیر

خالد بن الوليد بن المغيرة بن عبد الله بن عمرو بن مخزوم القرشي المخزومي از دشمنان سرسخت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در جنگ های بدر، احد، احزاب و دیگر وقایع مهم صدر اسلام در مقابل مسلمانان ایستاد؛ مخصوصاً در واقعه اُحد که باعث شکست و شهادت عده زیادی از مسلمانان از جمله حمزه سیدالشهداء شد. خالد بعد از جنگ خیبر و در سال هفتم مسلمان،<sup>۱</sup> و زندگی او وارد مرحله جدیدی شد که پر است از کشتار و جنایت های مختلف که ما در این مقاله به صورت گذرا به آن می پردازیم. زبیر بن بکار می نویسد خالد بن ولید شیعه و پیرو ابوبکر و منحرفین از علی بن ابی طالب علیهما السلام بود<sup>۲</sup> که این جمله به خوبی او را به ما می شناساند.

---

۱. الإصابة في تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، ۲ / ۲۱۵

۲. الأخبار الموفقیات، زبیر بن بکار، ۲۲۱

## کشتار در بنی جذیمه و اعلام براءت پیامبر

در اوایل شوال سال هشتم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خالد بن ولید را در رأس گروهی سیصد و پنجاه نفره از مهاجران و انصار و بنی سلیم به سوی بنی جذیمه، در اطراف مکه فرستاد. با وجود این که بنی جذیمه مسلمانی خود را اعلام و اسلحه خود را تسلیم کردند، اما خالد با نیرنگ آنان را اسیر کرده و دست‌های آنان را به یکدیگر بست. او هر نفر از بنی جذیمه را به دو نفر از سپاه خود سپرد. بنی جذیمه آن شب را در اسارت به سر بردند. هنگام سپیده دم خالد بن ولید بدون هیچ گونه دلیل و عذری، دستور داد تا هر کس اسیری را که نزد اوست به قتل برساند و مخالفت برخی از مسلمانان با این کار مانع از انجام صدور فرمان توسط خالد نشد.

در ابتدا بنی سلیم تمامی اسرای در دست خود را به قتل رساندند. در مقابل آنان، مهاجر و انصار از این کار پرهیز کرده و اسیران خود را آزاد کردند. وقتی خبر عملکرد خالد به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید، دستان خود را به آسمان بلند کرد و فرمود خدایا من از عملکرد خالد ابراز براءت می‌کنم و علی بن ابی طالب علیهما السلام را به سوی آنان فرستاد تا خسارت‌های آنها را جبران کند.<sup>۳</sup> عبدالرحمان بن عوف این اقدام خالد را صرفاً برای انتقام خون عمویش، فاکه بن مغیره، دانسته است و آن را عمل جاهلیت در اسلام خواند.<sup>۴</sup>

این گزارش تاریخی نشان دهنده آن است که خالد فقط به زبان، اسلام را قبول کرده ولی در واقع به همان سنت‌های جاهلیت پایبند بود.

۳. الطبقات الکبری، ابن سعد، ۲ / ۱۱۲

۴. تاریخ الامم والملوک، طبری، ۳ / ۶۸

## فرار از حنین

در سال هشتم، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای جنگ با قبیله مشرک هوازن از مکه راهی حنین شد، خالد با سواران بنی سلیم در مقدمه سپاه حرکت می کرد؛ ناگهان از میان دره ها، حمله متحدی توسط دشمن آغاز شد و سپس مسلمانان بدون اینکه به هیچ چیز توجه کنند پا به فرار گذاشتند که خالد بن ولید هم از جمله آنها بود و فقط نه یا ده نفر از بنی هاشم دور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باقی ماندند و از او دفاع کردند.<sup>۵</sup> این در حالی است که خداوند فرار از جنگ را به شدت نکوهش کرده و فرارکنندگان، به تصریح قرآن، مغضوب خداوند و مستحق جهنم هستند.<sup>۶</sup>

خطای دیگر خالد در این جنگ، کشتن یک زن بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از با خبر شدن از این امر، او را از کشتن زنان و بردگان نهی کرد.<sup>۷</sup>

## ترس در خیبر

اهل سنت با اینکه خالد را سیف الله معرفی می کنند اما وقتی می خواهند او را با امیر مؤمنان علی علیه السلام مقایسه کنند، شجاعت او را در مقابل شجاعت حضرت اندک می دانند. فخر رازی می نویسد: فتح خیبر و این پیروزی به دست علی علیه السلام بود و این ماجرا مشهور است؛ و نقل شده است که امیر المؤمنین علیه السلام، خالد بن ولید را به همراه خود بردند. وقتی که نرده بان برای ورود به

۵. تاریخ یعقوبی، ۲ / ۶۲

۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْآدْبَارَ \* وَمَنْ يُولُوهُمْ يَوْمَئِذٍ ذَرَّهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ

وَيُسَّ الْمُصِيرُ انفال ۱۵ - ۱۶

۷. المغازی، واقدی، ۳ / ۹۱۲

یکی از قلعه‌ها نصب شد، حضرت به خالد فرمودند آیا جلو نمی‌روی؟ پاسخ داد: خیر!!! وقتی که حضرت جلو رفتند از خالد پرسیدند که چه مقدار بالا آمده‌ای؟ از شدت ترس گفت: نمی‌دانم!!!<sup>۸</sup> با این همه عجیب است که اهل سنت تنها و تنها او را شمشیر اسلام و شمشیر کشیده خدا می‌خوانند. در حالی که در مواقع مختلف به ترس و فرار او اشاره کرده‌اند.

### خالد و جریان یمن

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابی طالب علیه السلام و خالد بن ولید را به سوی یمن می‌فرستد و هر کدام را به فرماندهی سپاهی منصوب می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر دو را فراخواند و فرمود اگر به هم رسیدید علی علیه السلام فرماندهی دو سپاه را بر عهده بگیرد. این دو سپاه به راه خود رفتند. علی علیه السلام با سپاه خود به راه افتاد و دور شد. پس از اندک زمانی، تعدادی را اسیر کرد و از میان اسرا کنیزی را برای خود انتخاب نمود. بریده می‌گوید من دشمن سرسخت علی بودم، در این هنگام خالد مرا خواست و گفت بریده حالا که از ماجرا باخبر شده‌ای نامه مرا به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برسان. وقتی نامه را به رسول خدا رساندم و از علی بدگویی کردم رسول خدا چنان خشمگین شد که این خشم را جز در جریان جنگ با بنی قریظه و بنی نضیر از ایشان ندیده بودم، آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من نگاه کرد و فرمود: ای بریده، علی را دوست مدار، زیرا همه کارهایش را فقط بر اساس دستورات انجام می‌دهد.<sup>۹</sup>

۸. التفسیر الکبیر، فخر رازی، ۳۲ / ۳۳۹

۹. یابریده أحب علیا، فانما یفعل ما یؤمر به. المعجم الأوسط، طبرانی، ۵ / ۱۱۷

در روایتی دیگر بریده می گوید من از هیچ کس به اندازه علی متنفر نبودم تا جایی که مردی از قریش (خالد بن ولید) را تنها بخاطر دشمنی با علی به دوستی انتخاب کردم.<sup>۱۰</sup>

این عبارت علاوه بر این که فضیلتی را برای علی بن ابی طالب علیهما السلام ثابت می کند به بغض خالد نسبت به حضرت هم تصریح می کند.

با نگاهی گذرا به برخی روایات نبوی در منابع اهل سنت می بینیم که بغض نسبت به علی بن ابی طالب علیه السلام دارای چه عواقبی است:

- یا علی لا یبالی من مات و هو یبغضک: مات یهودیا أو نصرانیا<sup>۱۱</sup>

- وَیَلُّ لِمَنْ أَبْغَضَکَ مِنْ بَعْدِی<sup>۱۲</sup>

- من أبغض علیا فقد أبغضنی، ومن أبغضنی فقد أبغض الله

- مبغضک مبغضی

- إِنَّ الشَّقِیَّ کُلُّ الشَّقِیِّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِیاً فِی حَیَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ

- مَنْ أَبْغَضَ عَلِیاً مِنْ بَعْدِی - حَشَرَهُ اللهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَعْمَى لَیْسَ لَهُ حُجَّةٌ

- من أبغض علیا محیاه و مماته فمیتته جاهلیة و حوسب بما أحدث فی الإسلام<sup>۱۳</sup>

---

۱۰. شرح مشکل الآثار، طحاوی، ۵۸ / ۸

۱۱. مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، ابن مغزالی، ۹۶

۱۲. فضائل الصحابة، احمد بن حنبل، ۲ / ۶۴۲؛ مناقب علي، ابن مغزالی، ۱۶۱ و ۴۴۷؛ الثاني من فوائد أبي عثمان البحيري، بحیری نيسابوری، ۱۱؛ مرقاة المفاتیح

شرح مشکاة المصابیح، ۹ / ۳۹۴۳؛ الرياض النضرة، طبری، ۳ / ۱۲۲؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ۴ / ۲۶۱

۱۳. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ۳ / ۱۴۱؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ۹ / ۱۳۲؛ المعجم الكبير طبرانی، ۲۲ / ۴۱۵؛ جامع المسانید والسنن، ابن کثیر،

۸ / ۴۳۲؛ کنز العمال، متقی هندی، ۱۳ / ۱۴۵؛ جمع الجوامع، سیوطی، ۲۳ / ۵۰۲؛ نزهة المجالس ومنتخب النفائس، صفوری، ۲ / ۱۶۱؛ الأساس فی السنة

- لو أن عبدا عبد الله ألف عام بعد ألف عام وألف عام بين الركن والمقام ثم لقي الله مبغضا لعلی بن ابي طالب وعترتی أکبه الله على منخریه يوم القيامة فی نار جهنم.<sup>۱۴</sup>

### قصد ترور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در رمضان سال نهم قمری، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از غزوه تبوک بازمی گشت؛ گروهی از صحابه بر سر راه آن حضرت در گردنه کوهی کمین کرده و تصمیم داشتند حضرت را ترور کنند، آنان می خواستند شتر پیامبر را رم دهند تا پیامبر از کوه پرتاب و کشته شود. آنها وقتی به هدف خود نرسیدند، پراکنده شده و به صورت مخفیانه به سپاه پیوستند.<sup>۱۵</sup>

مرحوم صدوق از حذیفة بن بیان نقل می کند که یکی از چهارده نفری که در بازگشت از جنگ تبوک قصد کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشتند، خالد بن ولید بود.<sup>۱۶</sup>

### در حجة الوداع

واقدی در عبارتی نقل می کند که خالد بن ولید با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای حجة الوداع به مکه رفت که نشان دهنده این است که به تبع آن در واقعه غدیر حاضر بوده است.<sup>۱۷</sup> و

---

وفقهها - السیرة النبویة (۴ / ۱۶۹۸) سعید حوی؛ التنویر شرح الجامع الصغیر، ۱۰ / ۳۹؛ الفصول المهمة، مالکی، ۱ / ۵۸۲؛ مناقب، ابن المغازلی، ۱۸۹؛ الرياض النضرة، طبری، ۳ / ۱۲۲، شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ۱ / ۴۹۵؛ فرائد السمطین، جوینی، ۱ / ۴۳۶

۱۴. تاریخ دمشق، ابن عساکر، ۴۲ / ۴۷۱؛ فرائد السمطین، حموی الجوینی، ۱ / ۴۴۶

۱۵. دلائل النبوة، ابو بکر بیهقی، ۵ / ۲۵۶

۱۶. عن حذیفة بن بیان أنه قال: الذین نفروا برسول الله ناقته فی منصرفه من تبوک أربعة عشر أبوالشورر و أبوالدواهی و ابوالعازف و أبوه و طلحة و سعد بن ابي وقاص و أبوعبیده و أبوالأعور و المغيرة و سالم مولى ابي حذیفة و خالد بن ولید و عمرو بن العاص و ابوموسی الأشعری و عبدالرحمن بن عوف و هم الذین أنزل

الله عزوجل فیهم و هموا بما لم ینالوا

الحصا، شیخ صدوق، ۲ / ۴۹۹

۱۷. لقد خرج مع رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فی حجة الوداع

المغازی، واقدی، ۳ / ۸۸۴



کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را شنیده و با حضرت، هر چه به ظاهر بیعت کرده است.

### سلام به عنوان امیرالمؤمنین

در روایتی سلیم از ابوذر غفاری نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به هشتاد نفر از عرب و عجم نفر دستور داد که به علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین سلام کنند. سلمان که در مجلس حضور داشت نام تک تک آنها را برای سلیم ذکر کرد.

از جمله کسانی که سلمان نام برد: ابوبکر، عمر، ابو عبیده، معاذ، سالم، پنج نفر اصحاب شوری (شورای شش نفره)، عمار بن یاسر، سعد بن عبادة و بقیه اصحاب عقبه و ابی بن کعب و ابو ذر و مقداد، و عده دیگری که اکثرشان و قسمت اعظمشان از اهل بدر بودند و اکثر آنها از انصار بودند. در میان ایشان ابوالهیثم بن تیهان، خالد بن ولید، ابو ایوب، اسید بن حضیر و بشیر بن سعید بودند.<sup>۱۸</sup>

### صحیفه ملعونه دوم

پس از تلاش بی نتیجه برای قتل پیامبر و اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر، عده‌ای بعد از ورود به مدینه در خانه ابوبکر جمع شدند و در آنجا پیمان دیگری بستند. در این پیمان بر خلافت ابوبکر، عمر، ابو عبیده و سالم مولی ابی حذیفه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تاکید شده و با خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام مخالفت شده است. در این جلسه سی و چهار نفر حضور داشتند که اکثر آنها از رؤسای قبایل بودند. این صحیفه پس از امضای همه حاضرین به ابو عبیده جراح سپرده

و در کنار خانه خدا دفن شد. وقتی از حدیفه از اسامی اصحاب صحیفه ملعونه سوال می شود یکی از افرادی که نام می برد خالد بن ولید است.<sup>۱۹</sup>

### احتجاج دوازده صحابی در مسجد نبوی و نقش خالد

ابان بن تغلب در روایتی طولانی از امام صادق علیه السلام درباره اینکه آیا از صحابه کسی با غضب حکومت ابوبکر مخالفت کرد یا نه پرسید؛ امام فرمود دوازده صحابی یعنی خالد بن سعید بن العاص، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود، عمّار بن یاسر، بریده اسلمی، ابوالهیثم بن التّیهان، سهل و عثمان پسران حنیف، خزیمه بن ثابت ذو الشّهادتین، ابی بن کعب و أبو ایوب انصاری، روز جمعه به مسجد رفته و اطراف منبر نشستند و وقتی ابوبکر به بالای منبر رفت همگی به نوبت در دفاع از امیر المؤمنین علیه السلام، ابوبکر را محکوم کردند.

ابوبکر از شنیدن این گواهی و شهادت بسیار مضطر و متحیر شد و گفت من والی شما شدم در صورتی که از شما برتر و بهتر نیستم! مرا رها کنید! مرا رها کنید!! عمر او را به شدت توبیخ کرد و سپس ابوبکر از منبر پایین آمده و همراه عمر به سمت منزل رفته و تا سه روز هیچ کس به مسجد النّبی نیامد. چون روز چهارم شد ابتدا خالد بن ولید با هزار نفر به خانه او آمده و گفت: این چه نشستنی است بخدا سوگند، بنی هاشم درباره خلافت به طمع افتاده اند و در پی او سالم مولا حدیفه با هزار نفر و سپس معاذ بن جبل با هزار نفر آمدند تا کم کم تعدادشان به چهار هزار نفر رسید، و همه به سرکردگی عمر با شمشیرهای برهنه بسوی مسجد النّبی حرکت کرده تا به آنجا رسیدند، عمر رو به طرفداران امیر المؤمنین

---

۱۹. فقال حدیفه: أبوسفیان، وعکرمة بن أبی جهل، وصفوان بن أمیة بن خلف، و سعید بن العاص، و خالد بن الولید، و عیاش بن أبی ربیعة، و بشیر بن سعد، و سهیل بن عمرو، و حکیم بن حزام، و صهیب بن سنان، و أبوالاعور السلمي، و مطیع بن الاسود المدري، و جماعة من هؤلاء ممن سقط عني إحصاء عددهم.

علیه السلام کرده و گفت: ای یاران علی، بخدا سوگند اگر یکی از شما مانند گذشته از جای برخاسته و سخنی بگوید سخت مجازاتش می‌کنیم. سلمان فارسی گفت: الله اکبر! الله اکبر! بخدا سوگند که من با همین دو گوشم از زبان مبارك رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم و در صورت خلاف، دو گوشم گر باد که می‌فرمود: روزی بیاید که برادر و پسر عموی من علی، با جمعی از یارانش در مسجد بنشینند، که ناگاه تعدادی از سگان اهل دوزخ بر آنان یورش آورده و قصد جان او و یارانش را کنند. من هیچ شک ندارم شما همان‌هاییید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود.<sup>۲۰</sup>

این روایت امام صادق علیه السلام علاوه بر نشان دادن نقش خالد بن ولید در حوادث بعد شهادت رسول خدا، به جایگاه آخرتی آنان که جهنم است، به صراحت اشاره می‌کند.

### حمله به خانه وحی

اولین جنایت خالد بعد از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، حضور او در جریان حمله به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام بود. ما به اختصار به آن اشاره می‌کنیم:

- وقتی قنفذ چندین بار به در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام رفت و بدون نتیجه برگشت، عمر غضبناک

از جا برخاست و خالد بن ولید و قنفذ را صدا زد و به آنان دستور داد تا هیزم و آتش با خود بیاورند.<sup>۲۱</sup>

- بعد از ورود به منزل، وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام عمر را بر زمین کوبید و عمر درخواست کمک

کرد، مردم رو به خانه آوردند و داخل شدند. خالد بن ولید شمشیر از غلاف بیرون کشید تا فاطمه

---

۲۰. الإحتجاج، طبرسی، ۱ / ۹۷ - ۱۰۵

۲۱. اسرار آل محمد، سلیم بن قیس، ۵۶۰

عليها السلام را بزند امير المؤمنين عليه السلام با شمشير بر خالد حمله كرد. او حضرت را قسم داد، و حضرت هم دست نگه داشت.<sup>۲۲</sup>

- وقتی مهاجمان بدون اجازه حضرت زهرا عليها السلام وارد خانه شدند، حضرت با صدای بلند به پدر خود استغاثه كرد. سلمان می گوید ابوبكر و اطرافيانش را دیدم كه می گریستند و صدایشان به گریه بلند شده بود. در میان آنان کسی نبود مگر آنكه گریه می كرد جز عمر بن خطاب و خالد بن ولید و مغیره بن شعبه، و عمر می گفت ما را با زنان و رأی آنان کاری نیست.<sup>۲۳</sup>

### بیعت اجباری

بعد از هجوم و ورود به خانه، حضرت علی علیه السلام را به سمت مسجد بردند و به شدت او را می کشیدند، تا آنكه نزد ابوبكر رسانیدند. و این در حالی بود كه عمر بالای سر ابوبكر با شمشير ایستاده بود، و خالد بن ولید و ابو عبیده بن جراح و سالم مولی ابی حذیفه و معاذ بن جبل و مغیره بن شعبه و اسید بن حضیر و بشیر بن سعید و سایر مردم در اطراف ابوبكر نشسته بودند و اسلحه همراهشان بود.<sup>۲۴</sup> در مسجد و در چندین مرحله علی بن ابی طالب علیه السلام تهدید به قتل شد كه یک بار توسط خالد صورت گرفت. خالد بن ولید از جا برخاست و شمشیرش را بیرون کشید و گفت بخدا قسم اگر بیعت نکنی تو را می کشم. امیرالمؤمنین علیه السلام به طرف او برخاست و جلو لباسش را گرفت و او را به عقب پرتاب كرد بطوری كه او به پشت به زمین خورد و شمشیر از دستش افتاد.<sup>۲۵</sup>

۲۲. اسرار آل محمد، سلیم بن قیس، ۵۶۱

۲۳. اسرار آل محمد، سلیم بن قیس، ۲۲۹ - ۲۳۰

۲۴. اسرار آل محمد، سلیم بن قیس هلالی، ۲۲۸

۲۵. اسرار آل محمد، سلیم بن قیس، ۵۶۵

## مجری اجرای قتل امیرالمؤمنین به دستور ابوبکر

وقتی ابوبکر فدک را از حضرت زهرا علیهاالسلام گرفت و وکیل آن حضرت را بیرون کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام به مسجد آمدند در حالی که ابوبکر نشسته و مهاجرین و انصار اطراف او بودند مطالبی بیان کردند و ابوبکر محکوم و مفتضح شد. ابوبکر وقتی به خانه برگشت شخصی را نزد عمر فرستاد و پیغام داد: وای بر تو ای پسر خطاب، دیدی علی با ما چه کرد؟! به خدا سوگند اگر یک جلسه دیگر با ما چنین برخوردی داشته باشد خلافت را از ما می‌گیرد و تا وقتی که او زنده است آب خوش از گلوی ما پائین نمی‌رود. عمر گفت کسی غیر از خالد بن ولید او را نمی‌تواند کفایت کند، پس دنبال خالد فرستادند، ابوبکر به او گفت: می‌خواهیم تو را برای امر خطیر و بزرگی مأمور کنیم. خالد گفت هر کاری که می‌خواهی به من واگذار کن اگر چه کشتن علی باشد. ابوبکر گفت اتفاقاً این کار، کشتن علی است. خالد گفت مرا به طرف او بفرست اطاعت می‌کنم؛ با شمشیر گردنش را خواهم زد. اتفاقاً امیرالمؤمنین علیه السلام از طریق اسماء بنت عمیس از قضیه آگاه شد. در مسجد وقتی خالد بن ولید در کنار امیرالمؤمنین علیه السلام ایستاد. در انتهای نماز ابوبکر به خاطر عواقب بعد از آن، پشیمان شد و قبل از سلام نماز گفت خالد آنچه را به تو امر کرده بودم انجام نده و سپس سلام نماز را داد. امیرالمؤمنین علیه السلام به خالد فرمود امری که تو را به آن مأمور ساخت و سپس پیش از سلام دادن تو را از آن نهی کرد چیست؟ خالد گفت مرا امر کرد گردن تو را با شمشیر بزنم. حضرت فرمودند آیا این کار را می‌کردی؟ خالد گفت به خدا سوگند آری، اگر مرا نهی نمی‌کرد انجام داده بودم. امیرالمؤمنین علیه السلام از جا برخاست یقه پیراهن خالد را گرفتند سپس او را به دیوار کوبیده و به عمر فرمودند: ای پسر صهباک به خدا قسم اگر عهد و پیمانم با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

نبود و از ناحیه حق تعالی این حکم (صبر کردن) قبلاً ابلاغ نشده بود، آنگاه می دانستی که کدام یک از ما از نظر یاور و از حیث عدد کمتر هستیم.<sup>۲۶</sup>

در روایت ابوذر آمده است که امیرالمؤمنین خالد را با دو انگشت خود گرفت و فشار داد. خالد فریاد زد و از ترس لباس خود را نجس کرد و پاهایش را به زمین می زد و حرفی نمی زد.<sup>۲۷</sup>

حافظ سمعانی شافعی به این مطلب به صورت کوتاه اشاره کرده است و گفته: از او یعقوب رواجی<sup>۲۸</sup> کلام ابوبکر روایت شده است که گفت: خالد آنچه را به او دستور داده شده است انجام ندهد. از سید عمر بن ابراهیم حسینی در کوفه پرسیدم که معنی این روایت چیست؟ او گفت: به خالد دستور داده بود که علی را بکشد؛ اما از این کار پشیمان شده و از آن نهی کرد.<sup>۲۹</sup>

بعد از این قضیه خالد به دنبال فرصتی بود تا شاید بتواند غافلگیرانه علی بن ابی طالب علیه السلام را به قتل برساند که البته دوباره نتوانست نقشه خود را عملی کند.<sup>۳۰</sup>

### خالد و سوزاندن مخالفان

بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابوبکر با مانعین زکات که مسلمان بودند ولی زکات خود را به غاصبین حکومت نمی دادند به شدت برخورد کرد و خالد بن ولید که به گفته ابوبکر شمشیر

---

۲۶. علل الشرائع، شیخ صدوق، ۱ / ۶۱۹؛ الإيضاح، الفضل بن شاذان، ۱۵۵-۱۵۷

۲۷. الإحتجاج، طبرسی، ۱ / ۱۱۷-۱۱۸

۲۸. از اساتید محمد بن اسماعیل بخاری صاحب صحیح بخاری

۲۹. الانساب، سمعانی، ۶ / ۱۷۶

۳۰. الخرائج و الجرائح، راوندی، ۲ / ۷۵۸

اسلام بود که از نیام کشیده شده بود مخالفان را به آتش کشید. البته ابوبکر هم با وجود آگاهی از شیوه

نادرست خالد، همچنان بر موضع خود پافشاری کرد و مخالفان را به کفر نسبت داد.<sup>۳۱</sup>

ابن سعد می‌نویسد بعد از این عمل عمر بن خطاب به ابوبکر اعتراض کرد که این نوع عذاب مخصوص

خداست ولی ابوبکر اعتنایی نکرد.<sup>۳۲</sup>

شمس‌الدین ذهبی پیرامون این قضیه می‌نویسد:

خالد دستور داد تا حفره‌ای بنا شود و در آن آتش افروخته و اسیران را در آن انداختند.<sup>۳۳</sup>

حتی محمد بن عبدالوهاب نیز به عمل شنیع خالد بن ولید اشاره کرده و می‌نویسد: و خالد فریاد زد:

هیچ کسی حق پختن غذا را ندارد و آبی را داغ نکند مگر آنکه پایه‌های آتش سر مردی باشد.<sup>۳۴</sup>

وی در صفحه بعد از همان کتاب به سوزاندن اهل رده توسط خالد بن ولید اشاره کرده و می‌نویسد:

خالد دستور داد تا حفره‌ای بنا شود و در آن آتش افروخته و اسیران را در آن انداختند.<sup>۳۵</sup>

---

۳۱. وجعل خالد يومئذ يحرق المرتدين. فقيل لأبي بكر في ذلك. فقال: لا أشيم سيفاً سله الله على الكفار.

فتوح البلدان، بلاذری، ۱ / ۱۱۶

۳۲. فبعث أبو بكر رضي الله تعالى عنه خالد بن الوليد فجمع منهم رجالا في حضائر ثم أحرقهم بالنار فجاء عمر إلى أبي بكر رضي الله تعالى عنه فقال انزع رجلا عذب

بعذاب الله فقال أبو بكر لا والله لا أشيم سيفاً سله الله على الكفار

الطبقات الكبرى، ابن سعد، ۷ / ۳۹۶

۳۳. فامر خالد بالحظران تبني ثم اوقد فيها النيران والقي الاسارى فيها.

تاريخ الاسلام، ذهبی، ۳ / ۳۱

۳۴. وصاح خالد: لا يطبخن رجلٌ قدرًا، ولا يسخنن ماء، إلا واثقته راس رجلٍ.

مختصر سيرة الرسول، محمد بن عبد الوهاب، ۲۶۴

۳۵. و امر خالد بالحظائر ان تبني، ثم اوقد فيها النار، ثم امر بالاسرى فالقيت فيها.

مختصر سيرة الرسول، محمد بن عبد الوهاب، ۲۶۵

همچنین عبدالرزاق صنعانی با سند صحیح که همه راویان آن، روات بخاری و مسلم هستند، و همچنین بدرالدین عینی در عمدة القاری نیز می‌نویسند: خالد بن ولید مردمی از اهل رده را به آتش کشید. عمر به ابوبکر گفت: آیا کسی که به عذاب مختص خداوند عذاب می‌کند را رها کرده‌ای؟ ابوبکر گفت: من شمشیری که خداوند بر علیه مشرکین را خارج کرده است، در غلاف نمی‌کنم.<sup>۳۶</sup>

ابن عساکر می‌نویسد:

ابوبکر خالد را به سمت قبیله بنی سلیم زمانی که از اسلام مرتد شده بودند اعزام کرد پس خالد آنها را کشت و با آتش سوزاند. پس عمر به ابوبکر گفت: کسی را فرستادی که به عذاب الهی عقاب می‌کند او را عزل کن.<sup>۳۷</sup>

ابن حجر عسقلانی نیز می‌نویسد:

آنچه بر جواز سوزاندن دلالت دارد، افعال صحابه است ... به تحقیق ابوبکر در محضر صحابه بغاۃ را در آتش سوزاند و خالد بن ولید مردمی از اهل رده را در آتش سوزاند.<sup>۳۸</sup>

نکته دردناک این مساله تجاوز آشکار به حرمت مسلمانی و انکار کلیه حقوق انسانی در این مورد است. حتی اگر این افراد مصداق کافر و غیرمسلمان نیز به حساب می‌آمدند، آتش زدن مخالفان در قاموس

---

۳۶. عبدالرزاق عن معمر عن هشام بن عروة عن ابيه قال حرق خالد بن الوليد ناسا من اهل الردة فقال عمر لابي بكر اتدع هذا الذي يعذب بعذاب الله فقال ابو بكر لا اشيم سيفا سله الله على المشركين.

المصنف، صنعانی، ۵ / ۲۱۲؛ عمدة القاری شرح صحیح البخاری، بدرالدین عینی، ۱۴ / ۲۶۴

۳۷. أن أبا بكر بعث خالد بن الوليد إلي بني سليم حين ارتدوا عن الإسلام فقتل وحرق بالنار فكلم عمر أبا بكر فقال بعث رجلا يعذب بعذاب الله انزعه.

تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ۱۶ / ۲۴۰

۳۸. ويدل على جواز التحريق فعل الصحابة... وقد حرق ابو بكر البغاة بالنار بحضرة الصحابة وحرق خالد بن الوليد بالنار ناسا من اهل الردة

فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، ۶ / ۱۵۰



اسلامی قابل پذیرش نیست. این عمل آن قدر فجیع است که فردی مثل عمر بن خطاب درخواست عزل خالد را از ابوبکر می‌کند.

این اتفاقات و فتاوا در حالی است که روایات فراوانی پیرامون نبی از سوزاندن افراد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در منابع اهل سنت رسیده است.

در صحیح بخاری آمده است: ابوهیره نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ما را به جایی فرستاد. و فرمود: اگر فلانی و فلانی را یافتید آن دو را بسوزانید. هنگامی که ما قصد خروج داشتیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند شما را امر کردم که فلانی و فلانی را بسوزانید. به درستی که سوزاندن عذابی مخصوص خداوند است، پس اگر آن دو را یافتید، دونفرشان را به قتل برسانید.<sup>۳۹</sup>

در روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسند احمد آمده است عبدالله بن مسعود نقل می‌کند که: همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از لانه‌ی مورچه‌ای گذشتیم که آتش گرفته بود. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند شایسته نیست برای یک فرد که عذابی کند که مخصوص خداوند است.<sup>۴۰</sup>

---

۳۹. حدثنا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ عَنْ بَكْرِ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ بَعَثَنَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فِي بَعْثٍ فَقَالَ إِنْ وَجَدْتُمْ فُلَانًا وَفُلَانًا فَأَخْرِقُوهُمَا بِالنَّارِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) حِينَ أَرَدْنَا الْخُرُوجَ إِنِّي أَمَرْتُكُمْ أَنْ تُحْرِقُوا فُلَانًا وَفُلَانًا وَإِنَّ النَّارَ لَا يُعَذَّبُ بِهَا إِلَّا اللَّهُ فَإِنْ وَجَدْتُمُوهُمَا فَاقْتُلُوهُمَا.

صحیح البخاری، ۴ / ۶۱

۴۰. حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا عبد الرزاق أنا سفيان عن أبي إسحاق الشيباني عن الحسن بن سعيد عن عبد الرحمن بن عبد الله عن عبد الله قال كنا مع النبي (صلى الله عليه وسلم) فمررتنا بقريية نمل فأحرقت فقال النبي (صلى الله عليه وسلم) لا ينبغي لبشر أن يعذب بعذاب الله عز وجل.

مسند احمد بن حنبل، ۷ / ۱۱۸

آری حتی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از سوختن لانه یک مورچه اظهار ناراحتی کرده است. حال سوال ما از امثال ابن حجر عسقلانی این است کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله مهم تر است یا فعل بعضی به اصطلاح صحابه؟!

### خالد و قتل حامیه بن سبیع

حامیه بن سبیع از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود<sup>۴۱</sup> که حضرت او را مسئول جمع آوری زکات قوم خودش کرد.

محمد بن عبدالوهاب درباره کشتار بعد شهادت رسول خدا می نویسد خالد دستور داد تا حفره ای بنا شود و در آن آتش افروخته و اسیران را در آن انداختند. آن روز حامیه بن سبیع را درون آتش انداخت، همان کسی که رسول خدا او را برای جمع آوری صدقات از قبیله اش فرستاده بود.<sup>۴۲</sup>

### خالد و قتل مالک بن نویره

مالک بن نویره از اصحاب بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. حضرت در شأن او فرمودند اگر کسی دوست دارد به یک مرد بهشتی نگاه کند، به مالک نگاه کند.<sup>۴۳</sup>

در اتفاقات بعد از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، خالد بن ولید به دستور ابوبکر به جنگ با مخالفین حکومت رفت. او قبیله مالک را با حيله و نیرنگ با اینکه اظهار مسلمانی کرده بودند اسیر و عده ای از جمله این صحابی رسول خدا را کشت و سر او را به عنوان پایه دیگ غذا قرار داد و

---

۴۱. الإصابة في تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، ۲ / ۷؛ الاکتفاء بما تضمنه من مغازي رسول الله والثلاثة الخلفاء، ابوریع اندلسی، ۲ / ۹۱؛ تاریخ الخميس في أحوال أنفس النفیس، دیار بکری، ۲ / ۲۰۲

۴۲. فالقی فیها یومئذ حامیه بن سبیع الذی استعمله رسول الله (صلی الله علیه وسلم) علی صدقات قومه.

مختصر سیره الرسول، محمد بن عبدالوهاب، ۲۶۵؛ الاکتفاء بما تضمنه من مغازي رسول الله والثلاثة الخلفاء، ابوریع اندلسی، ۲ / ۱۰۵

۴۳. بحار الأنوار، مجلسی، ۳۰ / ۳۴۳

همان شب با همسر او زنا کرد. ابوقتاده و عبدالله بن عمر به وی اعتراض نمودند ولی او به سخنان آنان اعتنائی نکرد. وقتی به مدینه بازگشت، عمر بن خطاب به او گفت ای دشمن خدا مردی از مسلمانان را کشتی و با همسرش همبستر شدی تو را سنگسار خواهم کرد.<sup>۴۴</sup> ولی ابوبکر او را بخشید!!!

عمر به ابوبکر گفت به درستی که در شمشیر خالد ظلم وجود دارد؛ پس اگر این (عزل او) حق نیست این حق است که او را محدود گردانی.<sup>۴۵</sup>

آیا مالک مرتد بود؟

ابن اثیر می نویسد: طبق آنچه طبری و بقیه بزرگان پیشین گفته اند، مالک مرتد نبوده است. با توجه به اینکه عمر به خالد گفته است، مرد مسلمانی را کشتی؛ و ابوقتاده شهادت داده است که آنها [مردم قبیله مالک] اذان گفته و نماز خوانده اند؛ و نیز ابوبکر اسیرانشان را برگردانده است و دیه مالک را از بیت المال داده است؛ همه اینها نشانگر این است که مالک مسلمان بوده است.<sup>۴۶</sup>

با توجه به عبارات علمایی مثل ابن کثیر و طبری چطور اهل سنت که اهانت به صحابه را جرم و خون اهانت کننده را حلال می دانند در مورد این همه جنایت درباره صحابه سکوت می کنند؟!

### خالد بن ولید و قتل سعد بن عبادہ

سعد بن عبادہ از اصحاب بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که بعد از شهادت پیامبر با غاصبان خلافت بیعت نکرد و در نهایت به دستور آنها به قتل رسید.

۴۴. اسد الغابة ج ۴ ص ۲۷۷؛ تاریخ الاسلام ذهبي ج ۳ ص ۳۶

۴۵. وقال عمر لأبي بكر إن في سيف خالد رهقا فإن لم يكن هذا حقا حق عليه أن تقيده.

تاریخ طبری، ۳ / ۲۷۸؛ تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، ۱۶ / ۲۵۸

۴۶. اسد الغابة ج ۴ ص ۲۷۷

ابن ابی الحدید به این قضیه اشاره می‌کند که شیعه قائل است که سعد بن عباد به دستور ابوبکر و توسط خالد بن ولید کشته شد و قتل او را به گردن جنیان انداختند. او در ادامه می‌نویسد کسی به مؤمن طاق<sup>۴۷</sup> گفت: چرا علی علیه السلام به مبارزه با ابوبکر در امر خلافت برنخواست؟ او در جواب گفت: فرزند برادر! می‌ترسید جنیان او را بکشند. ابن ابی الحدید در مقام جواب، این کلام را نمی‌پذیرد که کار جنیان بوده و می‌گوید کار بشر بوده ولی می‌گوید نزد من ثابت نشده که ابوبکر به خالد دستور داده باشد و من بعید نمی‌دانم که برای جلب رضایت ابوبکر به تنهایی این کار را کرده باشد. پس گناه بر خالد است و ابوبکر از آن بری است.<sup>۴۸</sup>

در عبارتی که علامه مجلسی در بحار الانوار می‌آورد، خالد بن ولید به صراحت به عمر بیان می‌کند که من سعد بن عباد را به خاطر شما و اختلافی که با او داشتید، کشتم.<sup>۴۹</sup>

---

۴۷. محمد بن علی بن نعمان بی‌ابی طریفة بجلی کوفی (درگذشت ۱۶۰ یا پس ۱۸۰ق) ملقب به مؤمن الطاق، از اصحاب امام صادق(ع) و متکلمان شیعه در قرن دوم قمری. وی در کلام و فقه تبحر داشت و با مخالفان شیعه مانند ابوحنیفه مناظره می‌کرد.

ابن ابی الحدید به جسارت او را شیطان الطاق می‌خواند

۴۸. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، ۱۷ / ۲۲۳

۴۹. بحار الأنوار، مجلسی، ۳۰ / ۴۹۴؛ سفینة البحار، قمی، ۲ / ۶۶۴

## خالد و قتل اکدیر بن عبدالملک

اکدیر بن عبدالملک پادشاه دومة الجندل بود که در زمان رسول خدا اسلام آورد<sup>۵۰</sup> ولی بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل عدم پرداخت زکات، به دستور ابوبکر و به دست خالد کشته شد.<sup>۵۱</sup>

### سیف الله کیست؟

مرحوم کراچکی در التعجب می نویسد:

امر عجیب این است که مخالفین به خاطر دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام، خالد بن ولید را شمشیر خدا می نامند. در حالی که خدا به شمشیر حضرت علی علیه السلام، کفار و مشرکین و مستکبرین مستبد را هلاک کرد و به شمشیر او احکام دین را تثبیت کرد و خاتم انبیاء به وسیله او تقویت شد، پس پیامبر درباره او فرمودند علی شمشیر خداست. علت نامیدن خالد به این لقب، اطاعت امر ابوبکر بعد از به دست گرفتن خلافت و سرکوب مردم مخصوصاً بعد جنایت مالک بن نویره و اعتراض عمر بود که ابوبکر گفت ای عمر، خالد بن ولید شمشیری از شمشیرهای خداست و همه اینها بخاطر اطاعت در جنایات ابوبکر بود.<sup>۵۲</sup>

---

۵۰. و قدم بأکیدر علی النبی صلی الله علیه وسلم فأسلم، و کتب له ولأهل دومة کتابا نسخته: هذا کتاب من محمد رسول الله لأکیدر حین أجاب إلى الاسلام و خلع

الأنداد والأصنام ولأهل دومة

فتوح البلدان، بلاذری، ۱ / ۷۳

- ومنهم الاکیدر بن عبد الملك بن عبد الحی صاحب دومة الجندل - ويقال عبد الجن صاحب دومة الجندل - اسلم، وصالحه النبی صلی الله علیه وسلم: الأنساب،

صحاری، ۱۶۰

- فقیل: أسلم: الاعلام، زرکلی، ۲ / ۶

۵۱. فتوح البلدان، بلاذری، ۱ / ۷۴

۵۲. التعجب من أغلاط العامة في مسألة الإمامة، کراچکی، ۱۰۸

جالب توجه اینکه عمر به ابوبکر گفت به درستی که در شمشیر خالد ظلم وجود دارد؛ پس اگر این (عزل او) حق نیست این حق است که او را محدود گردانی.<sup>۵۳</sup> این اعتراف یک صحابی و خلیفه دوم در نزد اهل سنت است که نه تنها خالد را سیف الله نمی داند بلکه شمشیر ظلم و ستم و به بیان بهتر شمشیر ابلیس می داند.

در مقابل این شمشیر ابلیس، سیف الله حقیقی علی بن ابی طالب علیهما السلام است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: علی شمشیر خدا بر دشمنانش است.<sup>۵۴</sup> و امیرالمؤمنین در کلامی فرمودند: من شمشیر خدا هستم بر دشمنانش و رحمت او بر دوستانش<sup>۵۵</sup>

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند روزی همراه رسول خدا به خارج از مدینه رفتیم و دستان علی علیه السلام در دستان پیامبر بود. از کنار نخلی عبور کردیم که نخل با صدای بلند گفت این محمد سیدالانبیاء و این علی سید الاوصیاء و پدر امامان طاهرین است. سپس از نخل دیگری عبور کردیم که با صدای بلند گفت این محمد رسول خدا و این علی شمشیر خداست.<sup>۵۶</sup>

---

۵۳. وقال عمر لأبي بكر إن في سيف خالد رهقا فإن لم يكن هذا حقا حق عليه أن تقيده.

تاریخ طبری، ۳ / ۲۷۸؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ۱۶ / ۲۵۸

۵۴. حدثنا محمد بن علي (رحمه الله)، عن عمه محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن علي الكوفي، عن محمد بن سنان، عن زياد بن المنذر، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): علي سيف الله على أعدائه

الأمالی، شیخ صدوق، ۶۱

۵۵. وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَنَا سَيْفُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِ وَ رَحْمَتُهُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ.

مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ۳ / ۱۱۳

۵۶. عن جابر رضي الله عنه قال كنت مع النبي صلى الله عليه وسلم يوما في بعض حيطات المدينة ويد علي في يده قال فمررنا بنخل فصاح النخل هذا محمد سید الأنبياء وهذا علي سید الأولياء أبو الأئمة الطاهرين ثم مررنا بنخل فصاح النخل هذا محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم وهذا علي سيف الله فلتفت النبي صلى الله عليه وسلم إلى علي فقال له سمه الصيحاني فسمى من ذلك اليوم الصيحاني فكان هذا سبب تسمية هذا النوع بذلك أو المراد نخل ذلك الحائط وبالمدينة اليوم موضع يعرف بالصيحاني.

خلاصه الوفا باخبار دار المصطفى، سهودی، ۱ / ۱۸۷-۱۸۶

نکته قابل توجه اینکه بر فرض اینکه اگر هم شمشیری جایگاهی در نزد خدا داشته باشد، مطمئناً هیچ یک به مقام ذوالفقار علی بن ابی طالب علیهما السلام نمی‌رسد که در شأن او گفته شد لا سیف إلا ذوالفقار<sup>۵۷</sup> و یا عبارتی که رسول خدا فرمود مبارزه و شمشیر زدن علی بن ابی طالب در روز جنگ خندق افضل از عبادت امت من تا روز قیامت است.<sup>۵۸</sup>

با این اوصافی که بیان شد سیف الله، فقط یک نفر و آن هم علی بن ابی طالب علیهما السلام است و اگر کسی مدعی شود که دیگری هم چنین مقامی دارد، به مقام علی بن ابی طالب علیهما السلام نمی‌رسد چون یک شمشیر زدن او افضل از عبادت همه امت اسلام تا روز قیامت است.

---

۵۷. حدثنا أبو کریب قال حدثنا عثمان بن سعید قال حدثنا حبان بن علی عن محمد بن عبید الله بن اُبی رافع عن اُبیهِ عن جده قال لما قتل علی بن اُبی طالب أصحاب الالویة أبصر رسول الله صلی الله علیه وسلم جماعة من مشرکی قریش فقال لعلی احمل علیهم فحمل علیهم ففرق جمعهم وقتل عمرو بن عبد الله الجمحی قال ثم أبصر رسول الله صلی الله علیه وسلم جماعة من مشرکی قریش فقال لعلی احمل علیهم فحمل علیهم ففرق جمعهم وقتل شیبیة بن مالک أحد بنی عامر بن لؤی فقال جبریل یا رسول الله إن هذه للمواساة فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم إنه منی وأنا منه فقال جبریل وأنا منکم قال فسمعوا صوتا لا سیف إلا ذو الفقار \* ولا فتی إلا علی تاریخ الامم و الملوک، طبری، ۲ / ۱۹۷

۵۸. حَدَّثَنَا لُؤْلُؤُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُقَدَّرِيُّ، فِي قَصْرِ الْحَلِيفَةِ بِبَغْدَادَ، ثنا أَبُو الطَّيِّبِ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْمِصْرِيُّ، بِدِمَشْقَ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ عَيْسَى الْحُسَّابِيُّ، بِبَيْتَسَ، ثنا عَمْرُو بْنُ أَبِي سَلَمَةَ، ثنا سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ، عَنْ بَهْرِ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لِمُبَارَزَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لِعَمْرُو بْنِ عَبْدِ وَدَّيَوْمِ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ۳ / ۳۴؛ تاریخ بغداد و ذیوله ط العلمیة، خطیب بغدادی، ۱۳ / ۱۹؛ شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ۲ / ۱۴

## منابع

- سليم بن قيس، *اسرار آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم*، قم، نشر الهادي، چاپ اول، ١٤١٦ ق.
- بلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البلاذري (المتوفى: 279 هـ)، *جمل من أنساب الأشراف*، تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلي، دار الفكر - بيروت، چاپ اول، 1417 هـ - 1996 م
- الفضل بن شاذان الأزدي النيسابوري، *الإيضاح*، محقق: السيد جلال الدين الحسيني الأرموي، مؤسسة انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- أبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب الطبرسي، *الاحتجاج*، طبع في مطابع النعمان النجف الأشرف حسن الشيخ إبراهيم الكتبي، تعليق وملاحظات: السيد محمد باقر الخراسان، ١٣٨٦ - ١٩٦٦ م
- أبوسعده، عبد الكريم بن محمد بن منصور التميمي السمعاني المروزي (المتوفى: 562 هـ)، *الأنساب*، محقق: عبد الرحمن بن يحيى المعلمي اليماني وغيره، ناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانية، حيدر آباد، چاپ اول، 1382 هـ - 1962 م
- قطب الدين راوندي، سعيد بن هبة الله، *الخرائج والجرائح*، محقق/ مصحح: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ناشر: مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، چاپ اول 1409 ق
- السيد هاشم البحراني، *مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر ودلائل الحجج على البشر*
- ابن اثير، أبو الحسن علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم بن عبد الواحد الشيباني الجزري، عز الدين (المتوفى: 630 هـ)، *أسد الغابة*، ناشر: دار الفكر - بيروت 1409 هـ - 1989 م



- ابن عساكر، أبى القاسم على بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعى، *تاريخ مدينة دمشق*، محقق:

على شيرى، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع

- طبرى، *تاريخ الأمم والملوك*، ناشر: دار التراث

- ابن ابى الحديد، *شرح نهج البلاغة*، ناشر: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى (ره)

- ابن حجر عسقلانى، أبو الفضل أحمد بن على بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانى (المتوفى: 852 هـ)،

*الإصابة فى تمييز الصحابة*، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية

بيروت، چاپ اول 1415 هـ

- شيخ صدوق، أبى جعفر محمد بن على بن الحسين ابن موسى بن بابويه القمى، *الامالى للشيخ*

*الصدوق*، تحقيق قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة

- ابن شهر آشوب، *مناقب آل أبى طالب*، محقق / مصحح: آشتيانى، محمد حسين ورسولى، هاشم، ناشر:

علامه، چاپ اول 1379 ق

- كراچكى، محمد بن على (449 ق)، *التعجب من أغلاط العامة فى مسألة الإمامة*، محقق / مصحح:

حسون، كريم فارس، ناشر: دار الغدير، چاپ اول 1421 ق

- بلاذرى، *فتوح البلدان*، ناشر: مكتبة النهضة المصرية - القاهرة 1956 م

- ابن سعد، *الطبقات الكبرى*، ناشر: دار صادر - بيروت

- ذهبى، محمد بن احمد، *تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والاعلام*، تحقيق: د. عمر عبدالسلام تدمرى،

دارالنشر: دارالكتاب العربى - لبنان/ بيروت، چاپ اول، 1407 هـ - 1987 م

- محمد بن عبدالوهاب، *مختصر سيرة الرسول صلى الله عليه وآله وسلم*، دارالنشر:وزارة الشؤون الإسلامية والاقواف والدعوة والارشاد - المملكة العربية السعودية - ١٤١٨هـ، چاپ اول.

- صنعانى، عبدالرزاق بن همام، *المصنف*، دار النشر:المكتب الاسلامى - بيروت - ١٤٠٣، چاپ دوم، تحقيق:حبيب الرحمن الاعظمى

- بدرالدين عينى، محمود بن احمد، *عمدة القارى شرح صحيح البخارى*، دار النشر:دار احياء التراث العربى - بيروت

- ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، *فتح البارى شرح صحيح البخارى*، دار النشر:دار المعرفة - بيروت، تحقيق:محب الدين الخطيب

- بخارى، محمد بن اسماعيل، *صحيح البخارى*، دار النشر:دار طوق النجاة، الطبعة:الطبعة:الأولى، ١٤٢٢هـ

- شيبانى، احمد بن حنبل، *مسند احمد بن حنبل*، دار النشر:مؤسسة الرسالة الطبعة:الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠١م

- أبو الربيع الاندلسى، *الاكتفاء بما تضمنه من مغازى رسول الله والثلاثة الخلفاء*، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠هـ

- سمهودى، على بن عبد الله بن أحمد الحسنى، *خلاصة الوفا بأخبار دار المصطفى*، دراسة وتحقيق: د/ محمد الأمين محمد محمود أحمد الجكينى، طبع على نفقة السيد: حبيب محمود أحمد

- زركلى، خير الدين بن محمود بن محمد بن على بن فارس، الزركلى الدمشقى، **الأعلام**، الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشرة - أيار / مايو 2002 م

- أبو المنذر سلمة بن مسلم بن إبراهيم الصحارى العوتبى (العُماني الإباضى) (ت ٥١١هـ)، **الأنساب = أنساب العرب = تاريخ العوتبى**

- حسين بن محمد بن الحسن الديار بكرى، **تاريخ الخميس فى أحوال أنفس النفيس**، الناشر: دار صادر - بيروت

- الشيخ الصدوق، **علل الشرايع**، محقق و مترجم: سيد محمد جواد تهرانى، ناشر: مؤمنين

- الزبير بن بكار بن عبد الله القرشى الأسدى المكى، **الأخبار الموقفيات**، تحقيق: سامى مكى العانى، الناشر: عالم الكتب بيروت، الطبعة: الثانية، 1416هـ - 1996م

- الشيخ محمد باقر بن محمد تقى المجلسى، **بحار الأنوار**، ناشر: مؤسسة الوفاء، چاپ دوم ١٤٠٣ هـ.ق

- ابن بابويه، محمد بن على، **الخصال**، محقق/ مصحح: غفارى، على اكبر، ناشر: جامعه مدرسین، چاپ اول 1362 ش،

- ابوبكر البيهقى، أحمد بن الحسين بن على بن موسى الخُسر و جردى الخراسانى، **دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة**، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، چاپ اول 1405 هـ

- حاكم حسانى، **شواهد التنزيل لقواعد التفضيل**، ناشر: مؤسسة الطبع و النشر

- حموى جوينى، ابراهيم بن محمد، **فرائد السمطين**، تحقيق محمودى، ناشر موسسه المحمودى

- يعقوبى، احمد بن اسحاق، **تاريخ يعقوبى**، دار صادر

- متقى هندی، علاء الدين على بن حسام الدين ابن قاضى خان القادري الشاذلى الهندي البرهانفوري  
ثم المدنى فالمكى، *كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال*، محقق: بكرى حيانى - صفوة السقا، ناشر:  
مؤسسة الرسالة، چاپ پنجم، 1401هـ / 1981م

- على بن محمد بن أحمد المالكى المكى الغيرى، *الفصول المهمة فى معرفة الأئمة*، ناشر: دارالحدیث،  
چاپ اول 1379

- أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشى البصرى ثم الدمشقى، *جامع المسانيد والسُّنن الهادى لأقوم  
سُنن*، محقق: د عبد الملك بن عبد الله الدهيش، ناشر: دار خضر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت -  
لبنان، چاپ دوم، 1419هـ - 1998م

- هيثمى، أبو الحسن نور الدين على بن أبى بكر بن سليمان، *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، محقق: حسام  
الدين القدسى، ناشر: مكتبة القدسى، القاهرة 1414هـ، 1994م

- سيوطى، جلال الدين السيوطى، *جمع الجوامع المعروف بـ الجامع الكبير*، محقق: مختار إبراهيم الهائج -  
عبد الحميد محمد ندا، حسن عيسى عبد الظاهر، ناشر: الأزهر الشريف، القاهرة - جمهورية مصر العربية،  
چاپ دوم 1426هـ - 2005م

- حاكم نيشابورى، أبو عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيسابورى، *المستدرک على الصحيحين*، دراسة و  
تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دارالكتب العلمية - بيروت، چاپ اول 1411ق

- فخر رازى، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمى الرازى، *مفاتيح الغيب = التفسير  
الكبير*، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، چاپ سوم 1420هـ

- واقدى، محمد بن عمر بن واقد السهمى الأسلمى بالولاء المدنى، *المغازى*، تحقيق: مارسدن جونس،

ناشر: دار الأعلمی - بیروت، چاپ سوم ۱۴۰۹/۱۹۸۹

- خطیب بغدادی، ابوبکر أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد بن مهدى، *تاریخ بغداد و ذیولہ*، دراسة و تحقیق:

مصطفی عبد القادر عطا، ناشر: دارالکتب العلمیة بیروت، چاپ اول 1417 هـ

- ملاعلی قارى، علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نورالدين الملا الهروى القارى، *مرقاة المفاتيح شرح*

*مشكاة المصابيح*، ناشر: دار الفكر، بیروت - لبنان، چاپ اول ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م

- طحاوى، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجرى المصرى، شرح

*مشكل الآثار*، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ اول 1415 هـ، 1494 م

- طبرانى، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبرانى، *المعجم الأوسط*، محقق: أبو معاذ طارق بن عوض الله بن

محمد - أبو الفضل عبد المحسن بن إبراهيم الحسينى، ناشر: دار الحرمين - القاهرة، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵

م

- ابن مغازلى، علی بن محمد بن محمد بن الطیب بن أبى يعلى بن الجلابى، أبو الحسن الواسطى المالکى،

*مناقب أمير المؤمنين على بن أبى طالب رضى الله عنه*، محقق: أبو عبد الرحمن تركى بن عبد الله الوادعى،

ناشر: دار الآثار صنعاء، چاپ اول ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م